



18 مارچ 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

## باز نشر یک نوشته در باره "سنگسار"

در این روزها پس از نشر مقاله مبسوط، مستدل و پرمحتوای جناب محترم مسعود فارانی تحت عنوان "آیا امر سنگسار با شروط و مقررہ لازمی اسلامی، تاکنون صحیح مطابق احکام به اجرا درآمده است؟" در این پورتال مورد توجه علاقمندی عده ای از هموطنان قرار گرفته و در ستون نظر سنجی تبصره ها و نظریاتی دلچسپ در زمینه ابراز گردیده است. به تاسی و تائید مقاله جناب فارانی خواستم یک نوشته خود را که قبلاً بتاریخ 12 دسمبر 2013 در همین پورتال وزین افتخار نشر یافته بود تحت عنوان "سنگسار - برگشت به دوره طالبانی" و نیز در ضمیمه آن یک پارچه شعر بسیار عالی و پرمفهوم از شاعر توانای کشور مرحوم رازق فانی را که ساهل قبل در همین مورد سروده است، بار دیگر از آرشیف مقالات بیرون آورده و جهت تداعی خاطر خدمت علاقمندان موضوع تقدیم دارم :

### سنگسار - برگشت به دوره طالبانی

12 دسمبر 2013

بروز دوشنبه مورخ 7 قوس 1392 بی بی سی یک قسمت بسیار کوتاه از یک ویدیو کلیپ دلخراش را ضمن تبصره در مورد پیش نویس قانون جزای افغانستان به نمایش گذاشت که یک مرد و زن جوان را به اتهام زنا در ولایت قندز به حکم یک یا چند عالم نام نهاد دینی به دشت برده و بطور فجیع سنگباران کردند. واقعاً مشاهده جریان این وحشت، دل سخت تر از سنگ میخاهد و کسی را یارای دیدن نیست، مگر کوردلان طالبی با افتخار به آن دست یازیدند و از کشتن دو انسان بی دفاع و دست بسته غره ای تطبیق «شریعت» گردیدند. آنها اگر واقعاً از شریعت آگاه می بودند، حق چنین کاری را نداشتند، زیرا شریعت صدور چنین حکمی را خاص از صلاحیت محکمه و قاضی نشسته در مسند رسمی قضا میداند، نه از هر کس و ناکس که بنام عالم دین چنین فتوا دهد و عده ای نادان تر از خود را موظف اجرای آن سازد. کسانیکه در تنفیذ همچو حکم به امر اشخاص فاقد صلاحیت شرعی و رسمی اشتراک میکنند و با پرتاب سنگ به جان متهم او را به قتل میرسانند، درحقیقت خود متهم به قتل عمدی بوده و محکوم به شدیدترین جزا میباشند.

موضوع سنگسار که در زمان امارت طالبی در کنج و کنار کشور رایج شد، اکنون بار دیگر مطرح بحث گردیده و کوشش میشود که با شرح و بسط بیشتر در پیش نویس قانون جزای افغانستان این موضوع وحشت افزا را بگنجانند، چنانکه در بخشی از این پیش نویس آمده است:

«زنا براساس اقرار و یا شهادت شهود در مجلس قضا ثابت میشود» و برطبق ماده 15 پیش نویس مقصد از رجم همانا: «سنگسار کردن مجرم الی زمان مرگ» است یعنی کشتن مجرم به وسیله پرتاب سنگ از هرطرف تا زمانیکه مجرم بمیرد. ماده 31 مرتکب عمل زنا را به جزای ذیل محکوم میکند: «زانی غیرمحصن (مرد بدون زن) و زانیه غیرمحصنه (زن بدون شوهر) به صد ضربه دره، و زانی محصن و زانیه غیر محصنه ازطرف محکمه ذیصلاح به رجم (سنگسار) محکوم میگردد.» ماده 32 حکم میکند که: «تطبیق رجم درمضر عام و درمحل معینه صورت میگردد.»

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپرلو مخکي په څير و لولئ

رئیس جمهور کرزی به اساس درخواست وزارت عدلیه مبنی بر تدوین «قانون واحد جزا» یک کمیسیون هفت عضوی را تعیین کرد تا در زمینه غور نماید. کمیسیون ضمن غور بر مسائل شرعی امور جزائی و تعزیری در رابطه با موارد قصاص، حدود و دیات اخیراً به این نظر آمده است که چون مباحث مذکور در قرآن مجید و احادیث ثابت میباشند و کسی آنرا تغییر داده نمیتواند، باید همچو موارد و اصطلاحات آن با جزئیات درج قانون گردد. شاید هدف کمیسیون از این موضوع چیزی نباشد که گویا آنها میخواهند حکم سنگسار را قانونیت بخشند، ولی اینکار بدون شک زمینه بحث همچو مسائل را حین بررسی مسوده قانون در ولسی جرگه و مشرانو جرگه که تعدادی از اعضای آن تشنه ای درج همچو موضوعات در قانون میباشند، فراهم می سازد و به اصطلاح «باده را بیاد مستان» میدهد و آنوقت باطرح موضوع چنان جنجالی برپا خواهد شد، که به قول معروف «آب بیاورید و حوض را پر کنید!»

امید است قبل از برافروختن همچو آتش که نه تنها در داخل کشور غوغا را بالا خواهد کرد، بلکه محافل بین المللی را نیز به شور خواهد آورد، به نحوی جلوگیری شود و شرایط و قیود شرعی بر تطبیق آن بطور جدی وضع گردد که تنفیذ این حکم و امثال آنرا مقید به اصول دقیق شرعی کلاً دشوار و غیر عملی سازد، چونکه در شرعیت ثبوت این جرم فقط با حضور چهار مرد بالغ، عاقل و حاکم بر نفس و بانصاف که شاهد و ناظر عینی بر عمل «دخول» باشند و در محضر قضا شهادت عندالله و عندالرسول دهند، ممکن است و یا اینکه هر دو متهم به فعل خود بدون جبر و اکراه اعتراف نمایند و اما اگر یکی از آنها ادعای طرف دیگر را کذب و دروغ بشمارد، آنگاه جرم باطل گردد. اینست راه شرعیت، ولی این چراغ حقیقت را نباید بدست کور مغزهای بد اندیش داد که بجای خیر، آتش شر را بیفروزند و جان انسانها را از ایشان بگیرند.

با تأیید کامل از نوشته پرمحتوای محترمه ملال نظام تحت عنوان «تجلیل از روز منع خشونت بر زنان، با ارمغان قانون سنگسار» که در پورتال فخیم افغان جرمن آنلاین بتاریخ 4 دسامبر به نشر رسیده است، میخواهم به مناسبت «سنگسار» از مجموعه اشعار شاعر توانای کشور مرحوم رازق فانی که چند سالی است از جمع ما به دیار ابد شتافته، ولی کلام زیبایش همیشه او را در خاطره ها زنده نگه میدارد و آنچنان به دلها چنگ میزند که یاد او را بر همه گرامی میدارد، قطعه شعر زیبای آن زنده یاد را انتخاب و خدمت دوستان تقدیم دارم که در همچو موضوع بسیار عارفانه سروده و با منطق عالی آنرا در قالب یک داستان کوتاه شعری بیان کرده که درسی است بس عمیق و پندی است بس عظیم برای هر قاضی عادل و فهیم:

### عنوان شعر در دادگاه پیامبر

یکی نامرد نصرانی،  
زنی را نزد عیسی برد،  
و در محضر شهادت داد،  
که این زن پاکدامن نیست.  
زن از شرم گنه،  
چون آهوی زخمی هراسان بود،  
و مروارید اشکش،  
از خجالت روی مژگان بود.

+ + +

مسیحا،  
از تأثر،

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

همچو گردابی به خود پیچید،  
و توأم با سکوتی سوی یاران دید،  
ز چشم همراهانش،  
ناگهان برق غضب جوشید،  
یکی آهسته،  
اما با ادب،  
پرسید،  
که ای روح مقدس،  
از چه خاموشی؟  
چرا از جرم این پتیاره،  
اینسان دیده میپوشی؟  
سزای اینچنین جرمی،  
مگر بر تو مبرهن نیست؟

+ + +

ولی فرزند مریم،  
همچنان با شاخه خشکی که برکف داشت،  
نقشی بر زمین میزد،  
و با پای تفکر،  
گام در راه یقین میزد،  
که ناگه،  
خشمگین مردی دیگر،  
زان جمع پیش آمد،  
که ای عیسی!  
چه میخواهی؟  
گناه او نمایان است،  
سزایش سنگسارانست،  
چراغ عفت مریم،  
درون سینه این دیو روشن نیست،  
و این بدکاره را راهی،  
بجز در زیر سنگ شرع مردن نیست،

+ + +

مسیحا از پی اندیشه بی کوتاه،  
سکوت تلخ را بشکست،  
و چون روشن چراغی،  
در میان دوستان بنشست،  
و گفت: آری،

---

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

چنین کاری،  
جزایش سنگساران است،  
ولیکن،  
سنگ اول را،  
به سوی این زن آلوده در عصیان،  
کسی باید بیندازد،  
که خود عاری ز عصیانست،  
و دامانش،  
رها از چنگ شیطانست،  
و میپرسم،  
چنین مردی، مگر در جمع یاران است؟

+ + +

مسیحا،  
حرف خود را گفت و سر را در گریبان کرد،  
و همراهان خود را،  
زان قضاوتها پشیمان کرد،  
کی را جرأت،  
که نزد پاکجانان،  
جان خود را،  
پاک از لوٹ خطا بیند،  
کی را زهره،  
که خود را پاک،  
نزد انبیا بیند،

+ + +

پس از لختی،  
کزان بیحرمی،  
یاران خجل گشتند،  
و از محضر برون رفتند،  
مسیحا ماند و آن زن ماند،  
و عیسی با زبان نرم،  
آن محجوبه را فهماند،  
و با اندرزهای پاک،  
بذر عفت و نیکی،  
به دشت خاطرش افشاند،  
و آن زن،  
با هوای تازه بی،

---

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکی په څیر و لولئ

بیرون ز محضر شد،  
و تصویر نوی،  
از شرع،  
در ذهنش مصور شد،  
که از خون بنی آدم،  
چراغ شرع روشن نیست،  
و راه شرع،  
تنها را کشتن نیست،

+ + +

ترا،  
ای دعا پرداز آیین آسمان،  
نمیگویم مسیحا شو،  
که ایمان پیمیر،  
در دل و جان تو و من نیست،  
ولی سر در گریبان کن،  
که دیو نفس خود خواه تو هم گاهی،  
فساد آلوده تر از نفس این زن نیست؟  
و از داغ هزاران جرم پنهانی،  
بگو ای مرد،  
ترا آلوده تر دامن نیست؟

(بهار 1376 ت فرانکفورت)  
برگفته از مجموعه از اشعار رازق فاتی: «دشت آینه و تصویر»  
محل چاپ: ساندياگو - کالیفورنیا، دسامبر 2003

---

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکی په څیر و لولئ